

فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی

سال دهم شماره ۴۰ زمستان ۱۳۹۴

## نقش پایگاه اجتماعی - اقتصادی و کیفیت دلبستگی به والدین در پیش‌بینی رفتار خرابکارانه نوجوانان

ندا افشاریان<sup>۱</sup>

چکیده

با توجه به این‌که مشکلات رفتاری نوجوانان تحت تأثیر عوامل فردی و اجتماعی فراوانی قرار دارد، پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش پایگاه اجتماعی- اقتصادی و دلبستگی به والدین در پیش‌بینی رفتار خرابکارانه نوجوانان انجام شد. روش پژوهش همبستگی بود. در این بررسی ۲۱۵ شرکت‌کننده پسر دبیرستانی (۱۰۰ نفر دانش‌آموز ساکن خوابگاه کمیته امداد و ۱۱۵ نفر در دبیرستان غیرانتفاعی) پس از انتخاب به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای پرسشنامه رفتار خرابکارانه نیک‌اختر، پرسشنامه پایگاه اجتماعی- اقتصادی نبوی و همکاران و سیاهه دلبستگی به والدین (آرمسدن و گرینبرگ) پاسخ دادند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که بین کیفیت دلبستگی و رفتارهای خرابکارانه رابطه معناداری وجود دارد. ترتیب ورود متغیرها به معادله رگرسیون گام به گام در مورد گروه امداد (ارتباط با پدر، بیگانگی با مادر، پایگاه اقتصادی) ( $R^2=40.8\%$ ) و در مورد گروه غیرانتفاعی (بیگانگی با پدر) ( $R^2=22.5\%$ ) بود. همچنین بر اساس نتایج، بین دو گروه از نظر ارتکاب به رفتارهای خرابکارانه تفاوت معناداری وجود داشت ( $P<0.001$ ). با توجه به نتایج حاضر، ارائه خدمات مشاوره‌ای به دانش‌آموزان ساکن خوابگاه کمیته امداد به منظور اصلاح تجربه‌های بین فردی آن‌ها با والدین و عمدتاً مادر (به دلیل فقدان پدر)، و همچنین آموزش به والدین به منظور سازگاری بیشتر با فرزندان حائز اهمیت خاص است.

**واژگان کلیدی:** کیفیت دلبستگی؛ دلبستگی به والدین؛ دانش‌آموزان دبیرستانی؛ رفتار خرابکارانه

## مقدمه

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که فراگیرترین مشکلات رفتاری دوران کودکی و نوجوانی، رفتارهای خرابکارانه<sup>۱</sup> هستند که علاوه بر درگیر کردن معلمان و خانواده‌ها، معضلات اجتماعی بسیاری را نیز به وجود آورده است (مک‌کارتنی و فیلیپس، ۲۰۰۸). رفتارهای خرابکارانه، رفتارهایی است که به منظور تخریب آگاهانه اموال، اشیاء و متعلقات عمومی و نیز تخریب و نابودی آثار هنری و دشمنی با علم، صنعت و آثار تمدن صورت می‌گیرد (میرفردی، احمدی و نیکخواه، ۱۳۹۱). عوامل زمینه‌ای نامطلوب (مانند طبقه اجتماعی - اقتصادی پایین) با ضعف در مهارت‌های تربیتی والدین، به ویژه روابط از هم گسیخته خانوادگی با شروع زودرس رفتارهای خرابکارانه و تخلفات دوره کودکی و نوجوانی مرتبط است (جاکوب دول، اسلامی و والترز، ۲۰۱۳). خانواده کودکان مبتلا به مشکلات رفتاری اغلب ساختار خانوادگی بی‌ثباتی دارند و به‌طور مکرر دچار افت و خیزهای اقتصادی، محرومیت اجتماعی، طلاق و ... هستند (کاپلیدی، کونگر، هوپس و تورن‌بری، ۲۰۰۳). لذا علاوه بر سطوح فردی و خانوادگی مرتبط با رفتارهای خرابکارانه، شرایط اجتماعی همچون فقر اقتصادی و قرار گرفتن در پایگاه اجتماعی - اقتصادی<sup>۲</sup> پایین نیز مشکلات رفتاری را به وجود می‌آورند (استکی آزاد، امیری و مولوی، ۱۳۹۰). امروزه و با توجه به پیچیدگی جوامع و بروز نابهنجاری‌های رفتاری در بین کودکان و نوجوانان، لزوم پرداختن به مشکلات رفتاری این قشر و به ویژه رفتارهای خرابکارانه آن‌ها بیش از پیش احساس می‌شود (افشاریان، ۱۳۹۳).

نظریه‌های متعددی در باب علل رفتارهای خرابکارانه مطرح شده‌اند که نقطه اشتراک بسیاری از آن‌ها تأکید بر وجود مشکلات خانوادگی به‌عنوان قوی‌ترین و باثبات‌ترین عوامل رفتار خرابکارانه بوده است (بنجت و کازدین، ۲۰۰۳). مادریگال (۲۰۰۶)، معتقد است که ماهیت جوّ و محیط خانوادگی که شامل روابط والدین با یکدیگر و با کودکان است می‌تواند در ایجاد رفتارهای خرابکارانه نقش تسهیل کننده یا بازدارنده داشته باشد.

1- Vandalistic behavior

2- Socioeconomic Status

ترمبلی (۲۰۱۰)، نیز بر این عقیده بود که کودکان رفتارهای اجتماعی قابل قبول را از طریق تعامل با محیط خود یاد می‌گیرند. از نظر وی، مکانیسم‌های که منجر به کاهش استفاده از رفتارهای اجتماعی پذیرفته شده توسط کودکان می‌شوند مبتنی بر امور محیطی و خانوادگی است.

یکی از نظریه‌هایی که برای تبیین رفتارهای خرابکارانه به کار می‌رود نظریه دلبستگی بالبی<sup>۱</sup> (۱۹۷۳) است (به نقل از افشاریان، ۱۳۹۳). بر اساس نظریه دلبستگی، کیفیت رابطه والدین با کودکان با پیامدهای رشدی مرتبط است (حجازی، اژه‌ای و رنجبر، ۱۳۹۲). از این منظر، والدین اولین و بارزترین نقش را در فرایند رشد اجتماعی کودکان ایفا می‌کنند و نوع دلبستگی فرزندان در این فرایند، به نظام شخصیت و رفتارهای بعدی آن‌ها ساختار می‌بخشد (پلرین<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵، به نقل از زینالی)؛ به عبارت دیگر، چگونگی دلبستگی بین کودکان و مراقبان آنان، روش‌های برقراری ارتباط با دیگر مظاهر دلبستگی در بزرگسالی را تحت تأثیر قرار خواهد داد (پناعی، پیروزی، ملکی، شیرین‌بیان و باقری، ۱۳۹۱)؛ به نحوی که کودک و نوجوان در سایه تربیت صحیح در محیط خانوادگی گرم و صمیمی، قادر به برقراری ارتباط با دیگران و سازگاری با اطرافیان و اجتماع خود می‌شود و بر این اساس، هنجارها، قوانین، نگرش‌ها و به‌طور کلی الگوهای فرهنگی و اجتماعی را می‌پذیرند و با رضایت خاطر به آن‌ها عمل می‌کنند (رید، پترسون و اسنایدر، ۲۰۰۲). بنابراین، در نظریه‌های دلبستگی بر این نکته تأکید می‌شود که کیفیت دلبستگی به والدین و بازنمایی‌های ذهنی دلبستگی که در دوران کودکی شکل می‌گیرد، تعیین‌کننده همانندسازی‌های بعدی کودک با ارزش‌ها، باورها و معیارهای والدین خواهد بود و ایجاد رابطه‌های قابل اعتماد با والدین، احساس نزدیکی، ارزش‌های مشترک و همانندسازی با دنیای اجتماعی را موجب می‌شود (نوفتل و شاور، ۲۰۰۶). نظریه دلبستگی، اهمیت کیفیت دلبستگی را در شکل دادن رشد بهنجار و ناسازگار در دوران کودکی مورد تأکید قرار داد و پژوهش‌های بعدی ثابت کردند که دلبستگی، پیامدهای مهمی برای رفتارهای بعدی در نوجوانی و بزرگسالی و بلکه در تمام عمر بوده و در

1- Bowlby

2- Pellerin

بیشتر جنبه‌های زندگی نمایان می‌شوند (استیجر، ۲۰۰۸؛ آزاد موسوی و جلالی، ۱۳۹۳). هم‌چنین، توانمندی و روایی نظریه دلبستگی در تبیین سازوکارهای تعیین‌کننده پیوندهای عاطفی و روابط بین شخصی، این نظریه را به‌عنوان یکی از الگوهای موفق در زمینه شناخت رفتارهای خرابکارانه معرفی کرده است (میکولین‌سر و شی‌ور<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳؛ به نقل از بشارت، ۱۳۸۴). لذا نظریه دلبستگی چهارچوب مناسبی را فراهم می‌کند که به فهم بهتر روابط دلبستگی و شیوه‌های مقابله با رفتارهای ناسازگارانه و خرابکارانه نوجوانان کمک می‌کند (کیمبرلی و باکر، ۲۰۰۸). نتایج پژوهش‌های مختلف نشان داده است که دلبستگی مفهوم مهمی در مطالعات مربوط به رفتارهای خرابکارانه است و سطوح پایین دلبستگی به والدین منجر به بروز رفتارهای خرابکارانه می‌شود (افشاریان، ۱۳۹۳؛ پاکدامن، سیدموسوی، قنبری، ملحی، ۱۳۹۰؛ دی‌اریسو، ۲۰۱۰؛ بارنوم، ریچاردسون و پرفتی، ۲۰۱۲). بررسی‌ها نشان می‌دهد، عدم بروز پاسخ هیجانی مناسب والدین در تعامل با فرزندان از مهم‌ترین عوامل بروز رفتارهای خرابکارانه و ضد اجتماعی به‌ویژه در نوجوانان است (لوبر، بورگ و پاردینی، ۲۰۰۹). از سوی دیگر، عدم ارتباط با یکی از والدین به دلیل طلاق و جدایی، نقش انکارناپذیری در مشکلات رفتاری نوجوانان دارد (بارنوم، ریچاردسون و پرفتی، ۲۰۱۲).

کامینگز و دیویس (۲۰۰۲)، نقش عوامل خانوادگی را بروز رفتارهای پرخاشگرانه کودکان بررسی کرده‌اند و نشان دادند که ارتباط متقابل منفی با فرزند، نقش مهمی در رفتار خرابکارانه دارد. بررسی آماری در ایران نیز بیانگر تأثیر انکارناپذیر کیفیت دلبستگی در شیوع رفتارهای خرابکارانه است. بررسی افشاریان (۱۳۹۳)، در میان نوجوانان سال سوم دبیرستانی فضا نشان‌دهنده شیوع این رفتار در میان دانش‌آموزان است. این بررسی همچنین نشان داد که کیفیت دلبستگی به والدین با رفتارهای خرابکارانه نوجوانان ارتباط دارد. نتایج بعضی از پژوهش‌ها از این نظریه که بین دلبستگی‌های نایمن در دوران کودکی و نوجوانی و رفتار خرابکارانه رابطه وجود دارد، حمایت می‌کنند (فانتی ۲۰۰۵؛

---

1- Mikulincor & Shaver

پاکدامن، سیدموسوی، قنبری، ملحی، ۱۳۹۰). پژوهش پاکدامن، سیدموسوی، قنبری و ملحی (۱۳۹۰)، نشان داد که کیفیت بالای اعتماد و ارتباط بین والدین و فرزندان رابطه منفی و معناداری با رفتارهای خرابکارانه فرزندان داشته و افزایش میزان بیگانگی از والدین در بین نوجوانان، رابطه مثبت معناداری با مشکلات رفتاری-هیجانی دارد. فانتی (۲۰۰۵) نیز کیفیت دلبستگی و رفتارهای ناسازگارانه را در میان دانشجویان سال اول مقیم در خوابگاه دانشجویی بررسی کرد و نتیجه گرفت که سطوح بالاتر دلبستگی والدینی با سطوح پایین تر رفتارهای ناسازگارانه رابطه دارد. بعضی پژوهشگران نیز کیفیت ارتباط بین والدین (به ویژه مادر) و فرزندان را در اتخاذ نوع رفتارهای اجتماعی کودکان مؤثر دانسته و شکست در برقراری چنین رابطه‌ای را سرآغاز مشکلات هیجانی و رفتاری در دوران بعدی تحول دانسته‌اند (ون زیجل، مسمن، ون زندرون، ژافر و استوک<sup>۱</sup> (۲۰۰۶)؛ به نقل از قنبری، خدایناهی، مظاهری و غلامعلی لواسانی، ۱۳۹۲). هم‌چنین نتایج برخی دیگر از پژوهش‌ها نیز نشان داده است که ناکارآمدی والدین در ایجاد روابط گرم و صمیمی با کودکان از جمله پیش‌بینی‌کننده‌های مهم مشکلات رفتاری کودکان بوده به نحوی که بی‌اعتنایی والدین به کودکان، سطوح بالاتری از پرخاشگری و خشونت را به وجود می‌آورد (فوگل، ۲۰۱۰؛ رالی، ۲۰۱۱).

اگر چه عوامل خانوادگی و کیفیت دلبستگی به والدین به طرق پیچیده‌ای با رفتار خرابکارانه نوجوانان ارتباط دارند اما روشن نیست که آیا کیفیت دلبستگی به خودی خود می‌تواند پیش‌بینی‌کننده رفتارهای خرابکارانه باشد؛ بنابراین، این احتمال وجود دارد که عوامل جمعیت‌شناختی از قبیل تجربه فقر، پایگاه اجتماعی-اقتصادی و محل سکونت در ایجاد رابطه بین دلبستگی و رفتار خرابکارانه نقش داشته باشند؛ به نحوی که برخی پژوهشگران معتقدند تأثیر برخوردهای والدینی بر روی رفتارهای پرخاشگرانه و خرابکارانه کودک می‌تواند در نتیجه غیبت والدین و استفاده از شیوه‌های ناپایدار یا سخت تربیتی، اهمال‌کاری، تعارضات بین والدین و زندگی در خانواده‌های تک‌والدی (نداشتن ارتباط با

1- Van Zeijl, Mesman, Van IJzendoorn, Juffer, &Stolk

یکی از والدین) و یا از عوامل جمعیت‌شناختی مانند فقر و پایگاه اقتصادی، ناشی شده باشد (کامینگز و دیویس، ۲۰۰۲؛ ترمبلی، ۲۰۱۰). بنابراین پایگاه اجتماعی-اقتصادی نیز عامل دیگری است که ارتباط آن با رفتارهای خرابکارانه در این پژوهش بررسی خواهد شد. کوهن<sup>۱</sup> (۱۹۵۵)، در نظریه ناکامی منزلتی<sup>۲</sup> خود تحت عنوان پسران خرابکار معتقد است طبقات پایین در جامعه، از نظر دستیابی به منزلت دچار ناکامی هستند. جامعه در عین حال که آن‌ها را به کسب منزلت تشویق می‌کند، امکان دستیابی را در اختیار آن‌ها قرار نمی‌دهد. به نظر کوهن، دانش‌آموزانی که در خانواده‌های طبقه پایین، جامعه‌پذیر شده‌اند، به‌طور نسبی قادر به همسازی با این معیارها نیستند و نمی‌توانند بر اساس این استانداردها با دانش‌آموزان طبقات اجتماعی دیگر رقابت کنند. یکی از راه‌هایی که آنان برای مشکل همسازی خود انتخاب می‌کنند، رفتار خرابکارانه، با مشارکت دانش‌آموزانی است، که شرایط مشابهی دارند. آنان دارودسته‌های خرابکار شکل می‌دهند، و با ارتکاب رفتار خرابکارانه علیه مظاهر فرهنگ طبقه متوسط نظیر تخریب اموال دولتی (آسیب‌زدن به اموال مدرسه، شکستن کیوسک‌های تلفن و پاره کردن صندلی‌های اتوبوس‌های عمومی و غیره) سعی در کسب منزلت اجتماعی برای خود دارند (به نقل از ممتاز، ۱۳۸۱).

برخی پژوهش‌ها از وجود رابطه منفی و معکوس پایگاه اجتماعی-اقتصادی با بروز رفتارهای خرابکارانه حمایت کرده‌اند (میرفردی، احمدی و نیکخواه، ۱۳۹۱؛ براین، کیلسین و ویسینک، ۲۰۱۰؛ رضائی، راثو و ازبین، ۲۰۱۱). برخی پژوهشگران به بررسی نقش منزلت اجتماعی<sup>۳</sup> در بروز رفتارهای خرابکارانه پرداختند و نشان دادند که تبلور منزلت اجتماعی پایین با بروز رفتارهای خرابکارانه ارتباط دارد؛ بر اساس یافته‌های این مطالعات، منزلت اجتماعی و جایگاهی که فرد در روابط با همگنان<sup>۴</sup> مانند روابط با والدین، خواهر، برادر و سایر اعضای خانواده دارد، نقش قاطعی در رشد کودکان ایفا می‌کند؛ به طوری که کودکان در فرآیند ارتباط با اطرافیان، مهارت‌های اجتماعی را فرا می‌گیرند و لذا ضعف در فراگیری مهارت‌های اجتماعی و منزلت اجتماعی پایین در دوران کودکی و

1- Albert Cohen  
3- Social Status

2- Status frustration  
4- Peers

نوجوانی پیش‌بینی‌کننده رفتارهای خرابکارانه در زندگی بعدی خواهد بود (براین، کیلسین و ویسینک، ۲۰۱۰؛ استکی آزاد، امیری و مولوی، ۱۳۹۰). نتایج حاصل از پژوهش رضائی، راثو و ازبین (۲۰۱۱)، تأیید کردند که پایگاه اجتماعی-اقتصادی با رفتارهای خرابکارانه مرتبط و پیش‌بینی‌کننده رفتارهای خرابکارانه در نوجوانان است. به عبارت دیگر وقتی که سطح پایگاه اجتماعی-اقتصادی کاهش می‌یابد، میزان رفتارهای خرابکارانه و رخ دادن مداوم آن توسط نوجوانان افزایش می‌یابد. همچنین، بررسی جاکوب دول، اسلامی و والترز (۲۰۱۳)، نشان داد که علاوه بر ضعف مدارس و خانواده‌ها در فرآیند جامعه‌پذیری دانش‌آموزان، مسائل خارج از مدرسه از قبیل وضعیت اقتصادی خانواده‌ها و محل سکونت نیز نقش مؤثری در ارتکاب رفتارهای خرابکارانه از سوی دانش‌آموزان دارند. به طور خلاصه نتایج پژوهش‌های پیشین حاکی از وجود رابطه منفی و معنادار بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی با رفتارهای خرابکارانه بود لذا می‌توان گفت پایگاه اجتماعی-اقتصادی نقش مهمی در بروز رفتارهای خرابکارانه ایفا می‌کند.

از آنجا که رفتارهای خرابکارانه می‌تواند تحت تأثیر ویژگی‌هایی همچون کیفیت دلبستگی به والدین و وضعیت اجتماعی-اقتصادی قرار گیرد و اثرات آن بر رفتارهای نوجوانان بسیار زیاد است و از سوی دیگر تأثیرات این متغیرها بر رفتارهای خرابکارانه از پیچیدگی‌هایی برخوردار است، ضرورت توجه به این متغیرها در مطالعه رفتارهای خرابکارانه احساس می‌شود. بر اساس بررسی‌های به عمل آمده در پژوهش‌های پیشین، تاکنون پژوهشی که متغیرهای مورد نظر را با هم در الگویی مورد بررسی قرار داده باشد، انجام نشده است. بنابراین، این پژوهش متغیرهای دلبستگی و پایگاه اجتماعی-اقتصادی را مورد توجه قرار می‌دهد و سؤالی که در این پژوهش به آن پاسخ داده می‌شود این است که آیا کیفیت دلبستگی به والدین و پایگاه اجتماعی-اقتصادی پیش‌بین رفتارهای خرابکارانه در دانش‌آموزان پسر دبیرستانی است؟

## روش

این پژوهش بر حسب هدف، در دسته پژوهش‌های بنیادین قرار می‌گیرد. به علاوه، بر حسب طرح تحقیق از جمله طرح‌های ارتباطی و همبستگی است.

## روش

جامعه آماری پژوهش حاضر، دانش‌آموزان پسر دبیرستانی تحت پوشش کمیته امداد و دبیرستان‌های غیرانتفاعی شهر چهارم (۶۰۰ نفر «۲۷۶ دانش‌آموز امداد و ۳۲۴ دانش‌آموز غیرانتفاعی») در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ بودند که از بین این جامعه آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، نمونه‌ای با حجم ۲۱۵ دانش‌آموز (۱۰۰ نفر ساکن خوابگاه و ۱۱۵ نفر غیرانتفاعی) به‌عنوان گروه نمونه پژوهش انتخاب شدند و پرسشنامه رفتار خرابکارانه نیک اختر (۱۳۷۸)، سیاهه دل‌بستگی به والدین آرمسدن و گرینبرگ، (۱۹۸۷) و پرسشنامه پایگاه اجتماعی-اقتصادی نبوی، حسین‌زاده و حسینی (۱۳۸۷) را تکمیل کردند.

در پژوهش حاضر، از آمار توصیفی برای تعیین فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد استفاده شده است و به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری مانند همبستگی پیرسون<sup>۱</sup>، آزمون T و تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام<sup>۲</sup> استفاده شده است.

## ابزارهای اندازه‌گیری

پرسشنامه دل‌بستگی نوجوانان به والدین - نسخه تجدید نظر شده<sup>۳</sup>: این پرسشنامه توسط آرمسدن و گرینبرگ برای ارزیابی ادراک نوجوان از ابعاد شناختی و عاطفی مثبت و منفی رابطه با والدین در سال ۱۹۸۷ تهیه شده و ساختار نظری آن مبتنی بر تعریف بالبی از دل‌بستگی است. این پرسشنامه دارای ۵۰ سوال و ۲ مقیاس دل‌بستگی به مادر و دل‌بستگی به پدر است که هر کدام به وسیله ۲۵ سوال سنجیده می‌شود. پایایی بازآزمایی مقیاس در فاصله ۳ هفته بر روی نمونه‌ای شامل ۲۷ نوجوان ۱۸ تا ۲۰ ساله برای مقیاس

1- Pearson correlation

2- Stepwise regression

3- Inventory of Parents and Peer Attachment-Revised



دلبستگی به والدین ۰/۹۳ بوده است. ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس نیز برای مقیاس‌های دلبستگی به مادر و دلبستگی به پدر به ترتیب ۰/۸۷ و ۰/۸۹ گزارش شده است (آرمسدن و گرینبرگ، ۱۹۸۷). همسانی درونی این پرسشنامه در ایران توسط افشاریان (۱۳۹۳) محاسبه و به ترتیب برای مقیاس‌های دلبستگی به مادر و دلبستگی به پدر ۰/۹۰ و ۰/۹۲ به دست آمده است. در پژوهش حاضر نیز ضریب همسانی درونی به ترتیب برای مقیاس‌های دلبستگی به مادر و دلبستگی به پدر ۰/۸۹ و ۰/۸۷ به دست آمد. همچنین در بررسی روایی پرسشنامه نشان داده شده است که کیفیت دلبستگی می‌تواند نوجوانان بزهکار را از نوجوانان غیربزهکار متمایز سازد (آرمسدن و گرینبرگ، ۱۹۸۷).

**پرسشنامه رفتارهای خرابکارانه:** این پرسشنامه توسط نیک اختر برای سنجش ارتکاب رفتار خرابکارانه ساخته شده است (نیک اختر، ۱۳۷۸). پرسشنامه حاضر شامل ۳۰ گویه و ۳ خرده‌مقیاس شامل ارتکاب رفتارهای خرابکارانه، نگرش به رفتارهای خرابکارانه و فرافکنی رفتارهای خرابکارانه است که در مقیاس ۵ درجه‌ای طیف لیکرت نمره‌گذاری می‌شود. در پژوهش حاضر صرفاً از خرده‌مقیاس ارتکاب رفتارهای خرابکارانه که شامل ۱۰ گویه است، استفاده شد. میزان اعتبار این پرسشنامه در پژوهش نیک‌اختر برابر با ۰/۷۴ گزارش شده است. در آخرین اجرای این آزمون بر روی دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان آلفای کلی این پرسشنامه، ۰/۸۷ بوده است. (افشاریان، ۱۳۹۳). در پژوهش حاضر نیز ضریب همسانی درونی ۰/۸۳ به دست آمد. در بررسی روایی آزمون نیز نشان داده شده که ارتکاب رفتارهای خرابکارانه در بین جوانان با متغیرهای دلبستگی و تقیدات خانوادگی، وجود خانواده‌های نابسامان و افت تحصیلی رابطه نیرومندی دارد (نیک‌اختر، ۱۳۷۸).

**پرسشنامه پایگاه اجتماعی-اقتصادی:** این پرسشنامه توسط نبوی، حسین‌زاده و حسینی (۱۳۸۷)، به منظور شناسایی وضعیت اجتماعی-اقتصادی پاسخگویان ساخته شده است و مشتمل بر مقوله‌های اجتماعی است که عناصر مشترک ذهنی برجسته‌ای داشته و افراد آن‌ها را به کار می‌گیرند تا خود را در یک نظام قشربندی اقتصادی رده‌بندی کنند. این پرسشنامه دارای ۶ گویه است که پاسخگو به تکمیل آن بر روی یک طیف ۵ درجه‌ای لیکرت می‌پردازد. میزان آلفای کرونباخ این مقیاس در مطالعه نبوی و همکاران برابر با ۰/۷۱

گزارش شده است. در آخرین اجرای این آزمون بر روی دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز میزان اعتبار این پرسشنامه ۰/۸۰ به دست آمد (پورافکاری، حکیمی‌نیا، حیدری و فروتن‌کیا، ۱۳۹۱). ضریب پایایی این پرسشنامه در مطالعه حاضر نیز ۰/۷۹ به دست آمد.

### یافته‌ها

جدول (۱) میانگین و انحراف استاندارد کیفیت دلبستگی به والدین، پایگاه اجتماعی اقتصادی و رفتار خرابکارانه و نتایج آزمون T، برای مقایسه دانش‌آموزان امدادی و غیرانتفاعی

مؤلفه	گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	T
اعتماد به مادر	امداد	۱۰۰	۴۱/۲۹	۵/۱۴۸	-۰/۰۷۸
	غیرانتفاعی	۱۱۵	۴۲/۷۱	۵/۷۱۱	
اعتماد به پدر	امداد	۱۰۰	۳۲/۱۵	۵/۶۵۴	* ۳/۱۴۵
	غیرانتفاعی	۱۱۵	۳۵/۰۶	۷/۰۴۱	
ارتباط با مادر	امداد	۱۰۰	۳۹/۵۹	۵/۸۷۷	-۰/۶۰۹
	غیرانتفاعی	۱۱۵	۴۰/۰۹	۷/۱۸۱	
ارتباط با پدر	امداد	۱۰۰	۳۱/۳۲	۵/۳۹۱	** ۱۹/۰۹
	غیرانتفاعی	۱۱۵	۴۰/۰۲	۳/۰۱۲	
بیگانگی از مادر	امداد	۱۰۰	۴۰/۶۰	۴/۷۴۰	** ۲۲/۰۴
	غیرانتفاعی	۱۱۵	۳۰/۹۳	۲/۹۸۵	
بیگانگی از پدر	امداد	۱۰۰	۱۴/۳۴	۴/۱۹۵	-۰/۴۰۹
	غیرانتفاعی	۱۱۵	۱۳/۷۹	۴/۷۷۰	
دلبستگی به مادر	امداد	۱۰۰	۹۸/۲۵	۱۵/۲۱۷	-۰/۳۱۳
	غیرانتفاعی	۱۱۵	۹۶/۱۸	۱۲/۹۹۰	
دلبستگی به پدر	امداد	۱۰۰	۷۳/۸۲	۱۱/۷۱۷	** ۳۳/۷۲۸
	غیرانتفاعی	۱۱۵	۹۰/۶۷	۱۳/۸۲۳	
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	امداد	۱۰۰	۱۱/۳۲	۵/۳۱۹	** ۱۹/۰۹
	غیرانتفاعی	۱۱۵	۲۰/۰۲	۳/۰۳۹	
رفتار خرابکارانه	امداد	۱۰۰	۲۰/۲۶	۶/۲۱۸	** ۲/۲۶۷
	غیرانتفاعی	۱۱۵	۱۷/۱۹	۴/۳۶۲	

\*\* = P &lt; ۰/۰۰۱

\* = P &lt; ۰/۰۵

نتایج جدول ۱ نشان داد میانگین کیفیت اعتماد و ارتباط با والدین در بین دانش‌آموزان غیرانتفاعی بیشتر از دانش‌آموزان ساکن خوابگاه کم‌میته امداد بود و فقط در مؤلفه‌های اعتماد به پدر و ارتباط با پدر، تفاوت میانگین‌ها به صورت معنادار بود. همچنین میانگین نمرات بیگانگی از والدین در بین دانش‌آموزان ساکن خوابگاه، بیشتر از دانش‌آموزان غیرانتفاعی بود که این تفاوت میانگین تنها در مورد مؤلفه بیگانگی از مادر معنادار بود. تفاوت میانگین‌های پایگاه اجتماعی-اقتصادی و خرابکاری نیز در دو گروه معنادار بود.

جدول (۲) همبستگی بین مؤلفه‌های دلبستگی به والدین و پایگاه اجتماعی اقتصادی با رفتارهای خرابکارانه

شاخص‌های آماری دانش-آموزان غیرانتفاعی		شاخص‌های آماری دانش‌آموزان امداد		متغیرهای پیش‌بین	متغیر ملاک
P	r	P	r		
۰/۰۰۱	-۰/۲۸۳	۰/۰۰۱	-۰/۳۱۴	اعتماد به مادر	
۰/۰۰۱	-۰/۳۸۸	۰/۰۰۰	-۰/۴۱۸	اعتماد به پدر	
۰/۰۰۰	-۰/۳۹۰	۰/۰۰۱	-۰/۳۷۵	ارتباط با مادر	
۰/۰۰۰	-۰/۴۲۹	۰/۰۰۰	-۰/۶۰۰	ارتباط با پدر	
۰/۰۰۰	۰/۴۰۰	۰/۰۰۸	۰/۲۹۲	بیگانگی از مادر	رفتارهای خرابکارانه
۰/۰۰۰	۰/۴۷۵	۰/۰۰۱	۰/۴۳۲	بیگانگی از پدر	
۰/۰۰۱	-۰/۲۲۳	۰/۰۰۱	-۰/۲۱۱	دلبستگی به مادر	
۰/۰۰۱	-۰/۲۹۴	۰/۰۰۰	-۰/۵۲۱	دلبستگی به پدر	
۰/۰۲۳	-۰/۱۱۸	۰/۰۰۰	-۰/۵۹۵	پایگاه اجتماعی-اقتصادی	

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که دلبستگی به والدین و مؤلفه‌های آن در هر دو گروه با خرابکاری رابطه معنادار دارند. از بین مؤلفه‌های کیفیت دلبستگی در دانش‌آموزان ساکن خوابگاه کم‌میته امداد، ارتباط با پدر ( $r = -0/60$ ) و دلبستگی به مادر ( $r = 0/21$ ) به ترتیب بیشترین و کمترین رابطه را با رفتارهای خرابکارانه داشته است و از بین مؤلفه‌های کیفیت دلبستگی در دانش‌آموزان غیرانتفاعی، بیگانگی از پدر ( $r = -0/47$ ) و دلبستگی به

مادر ( $r = -0/22$ ) به ترتیب بیشترین و کمترین رابطه را با رفتارهای خرابکارانه داشته است. همچنین متغیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی در هر دو گروه با رفتارهای خرابکارانه رابطه معنادار دارد که البته این رابطه در مورد دانش‌آموزان امداد از شدت بیشتری برخوردار است ( $r = -0/59$ ).

جدول (۳) نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی رفتار خرابکارانه بر اساس کیفیت دلبستگی و پایگاه اقتصادی در دانش‌آموزان امداد و غیرانتفاعی

مرحله	مدل	R	R <sup>2</sup>	B	Beta	T	Sig
دانش‌آموزان امداد							
۱	ارتباط با پدر	۰/۴۶۳	۰/۲۱۴	-۱۱/۲۳۳	-۰/۶۴۸	-۸/۸۳۵	۰/۰۰۱
۲	بیگانگی با مادر	۰/۵۹۱	۰/۳۴۹	۰/۵۲۰	۰/۲۹۶	۴/۰۱۴	۰/۰۰۱
۳	پایگاه اقتصادی	۰/۶۳۹	۰/۴۰۸	-۰/۴۴۲	-۰/۱۱۸	-۲/۲۲۹	۰/۰۰۱
دانش‌آموزان غیرانتفاعی							
۱	بیگانگی با پدر	۰/۴۷۵	۰/۲۲۵	۰/۱۱۵	۰/۴۷۵	۵/۴۲۰	۰/۰۰۰

جدول ۳ نتایج مربوط به سهم متغیرهای پیش‌بین را در متغیر ملاک خرابکاری در دانش‌آموزان ساکن خوابگاه کمیته امداد و دانش‌آموزان دبیرستان‌های غیرانتفاعی نشان می‌دهد. در تحلیل مربوط به دانش‌آموزان امداد، به ترتیب متغیرهای ارتباط با پدر، بیگانگی از مادر و پایگاه اجتماعی-اقتصادی وارد معادله رگرسیون شدند و توانستند ۴۰/۸ درصد از واریانس خرابکاری را پیش‌بینی کنند. با توجه به مقادیر ضریب رگرسیون، مشخص می‌شود که متغیرهای ارتباط با پدر و پایگاه اجتماعی-اقتصادی با خرابکاری رابطه معکوس و متغیر بیگانگی با مادر با خرابکاری رابطه مستقیم دارد. در تحلیل مربوط به دانش‌آموزان غیرانتفاعی نیز تنها متغیر بیگانگی با پدر وارد معادله رگرسیون شد و توانست ۲۲/۵ درصد از تغییرات خرابکاری را تبیین کند. ضریب رگرسیون نشان می‌دهد که متغیر بیگانگی با پدر با متغیر خرابکاری رابطه مستقیم دارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر تعیین و مقایسه نقش کیفیت دلبستگی به والدین با تأکید بر پایگاه اجتماعی-اقتصادی در پیش‌بینی رفتار خرابکارانه دانش‌آموزان پسر ساکن خوابگاه کم‌میه امداد و دانش‌آموزان پسر دبیرستان‌های غیرانتفاعی بود. نتیجه پژوهش بیانگر وجود تفاوت معنادار در دانش‌آموزان امداد و غیرانتفاعی بین اعتماد به پدر، ارتباط با پدر و بیگانگی از مادر از مؤلفه‌های کیفیت دلبستگی به والدین بود و از میان دو مقیاس کیفیت دلبستگی به پدر و مادر، تنها در مقیاس کیفیت دلبستگی به پدر، تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده شد. همچنین نتایج حاکی از وجود تفاوت بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی دو گروه و میزان رفتار خرابکارانه آن‌ها بود. این نتایج با نتایج حاصل از پژوهش‌های (استکی‌آزاد، امیری و مولوی، ۱۳۹۰؛ میرفردی، احمدی و نیکخواه، ۱۳۹۱؛ کامینگز و دیویس، ۲۰۰۲؛ کاپلیدی، تونکر، هوپس و تورن‌بری، ۲۰۰۳؛ براین، کیلسین و ویسینک، ۲۰۱۰؛ ترمبلی، ۲۰۱۰؛ رضایی، رائو و ازبین، ۲۰۱۱؛ جاکوب‌دول، اسلامی و والترز، ۲۰۱۳) هماهنگ است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که این فرضیه که طبقات اجتماعی-اقتصادی پائین، میزان بیشتری از رفتارهای غیرقانونی را نسبت به طبقات متوسط و بالا مرتکب می‌شوند، یک فرضیه عمومی یا مورد قبول اکثریت در جهان است. بر اساس نظریه ناکامی منزلتی کوهن، جایگاه فرد در موقعیت‌های اجتماعی-اقتصادی، در بروز رفتارهای خرابکارانه از سوی او می‌تواند تأثیر داشته باشد (ممتاز، ۱۳۸۱). بنابراین هرچه فرد در جامعه پایگاه اجتماعی-اقتصادی پایین‌تری داشته باشد، احتمال این که به رفتارهای خرابکارانه روی بیاورد بیشتر می‌شود. در این بررسی نیز این فرضیه به اثبات رسیده است؛ به گونه‌ای که با افزایش پایگاه اجتماعی-اقتصادی دانش‌آموزان از ارتکاب رفتارهای خرابکارانه آن‌ها کاسته می‌شود و با توجه به اینکه دانش‌آموزان ساکن خوابگاه کم‌میه امداد نسبت به دانش‌آموزان غیرانتفاعی، در سطوح پایین‌تر اجتماعی-اقتصادی قرار دارند، میزان ارتکاب به رفتارهای خرابکارانه در آن‌ها نیز بیشتر از دانش‌آموزان غیرانتفاعی بود.

نتایج تحلیل همبستگی نیز حاکی از آن بود که بین مؤلفه‌های دلبستگی به والدین و متغیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی با رفتارهای خرابکارانه در هر دو گروه رابطه وجود دارد. نتایج نشان داد که بین کیفیت دلبستگی به والدین و مؤلفه‌های اعتماد و ارتباط با والدین و ارتکاب رفتارهای خرابکارانه در هر دو گروه رابطه منفی و بین مؤلفه بیگانگی با والدین و ارتکاب رفتارهای خرابکارانه رابطه مستقیم وجود داشت. یافته این پژوهش در خصوص رابطه بین کیفیت دلبستگی و مؤلفه‌های آن با رفتارهای خرابکارانه با پژوهش‌های پاکدامن، سیدموسوی، قنبری، ملحی (۱۳۹۰)، افشاریان (۱۳۹۳)، فانتی (۲۰۰۵)، نوفتل و شاور (۲۰۰۶)، ون‌زیجل، مسمن، ون‌زندرون، ژافر و استوک (۲۰۰۶)، دی‌اریسو (۲۰۱۰)، فوگل (۲۰۱۰) و رالی (۲۰۱۱)، هماهنگ است. در تبیین این یافته و از چشم‌انداز نظریه دلبستگی، چنین استنباط می‌شود، که تجارب اکتسابی کودکان در سال‌های اولیه رشد با چهره‌های دلبستگی، تعیین‌کننده‌های اصلی رفتارهای بعدی آن‌ها محسوب می‌شود. بر اساس این نظریه زمانی که والدین از کودکانشان با محبت و گرمی مراقبت می‌کنند، نیازهای اصلی رشد یعنی نیاز به امنیت و اعتماد کودکان بیشتر ارضاء می‌شود و در مقابل کودکان و نوجوانانی که از چنین تجربه‌ای برخوردار نیستند، مهارت کمتری در برقراری روابط حمایت‌گر از خود نشان می‌دهند (دی‌اریسو، ۲۰۱۰). تحقیقات روی دلبستگی به والدین به نحو قانع‌کننده‌ای نشان داده است که در صورتی که والدین در ایجاد یک ارتباط گرم، حساس و پاسخ‌دهنده با فرزندان خود طی سال‌های اولیه زندگی موفق نباشند، مشکلات رفتاری پایداری در کودک ایجاد می‌شود (فوگل، ۲۰۱۰؛ رالی، ۲۰۱۱). بنابراین، افرادی که در میزان پاسخدهی والدین نسبت به نیازهای هیجانی خود احساس امنیت بیشتری داشته و ارتباط بهتر و منسجم‌تری با چهره‌های دلبستگی دارند و در برقراری این ارتباط پویا جدیت بیشتری از خود نشان می‌دهند؛ احتمال انجام رفتارهای خرابکارانه در آن‌ها کاهش می‌یابد (نوفتل و شاور، ۲۰۰۶). همچنین، افرادی که در ارتباط با چهره‌های دلبستگی احساس انزوای بیشتری می‌کنند و در واقع از سوی والدین مورد بی‌اعتنایی بیشتری قرار می‌گیرند؛ این احساس باعث بروز رفتارهای خرابکارانه بیشتری در آن‌ها می‌شود (فانتی، ۲۰۰۵). در این پژوهش نیز شدت رابطه‌های بین مؤلفه‌های

دلبستگی و رفتارهای خرابکارانه، از نظریه دلبستگی حمایت کرده است؛ به گونه‌ای که دانش‌آموزان گروه امداد که عمدتاً دوران کودکی و نوجوانی خود را نزد کسی غیر از پدر و مادر خود گذرانده و یا پدر و مادر آنها به علت طلاق یا فوت یکی از آنها از هم جدا بوده‌اند (زندگی در خانواده تک‌والدی) و یا در خانواده خود همواره درگیری و بحث را تجربه کرده بودند آسیب‌پذیرتر بوده و امکان ناسازگاری و ارتکاب به رفتارهای خرابکارانه توسط آنها نسبت به گروه غیرانتفاعی بیشتر بود. این یافته نیز با پژوهش‌های بنجت و کازدین، ۲۰۰۳؛ مادریگال، ۲۰۰۶ و ترمبلی، ۲۰۱۰ همخوان است. در تبیین این یافته چنین استنباط می‌شود که افرادی که شرایط خانوادگی مبتنی بر فقدان نظارت و یا حمایت عاطفی والدین، تسلط شدید یک عضو خانواده، عدم حضور یکی از والدین به‌ویژه پدر (به دلیل زندانی بودن، طلاق، متارکه و یا فوت) را تجربه می‌کنند از کیفیت دلبستگی پایین‌تری نسبت به دیگران برخوردارند و همین امر سبب‌ساز رفتارهای خارج از هنجار و از سر ناسازگاری در آنها خواهد بود (بارنوم، ریچاردسون و پرفتی، ۲۰۱۲). نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن بود که بین پایگاه اجتماعی، اقتصادی دانش‌آموزان در هر دو گروه با ارتکاب رفتارهای خرابکارانه از سوی آنها رابطه منفی وجود دارد اما شدت این رابطه در گروه دانش‌آموزان امداد بیشتر بود. این یافته نیز همسو با پژوهش‌های استکی‌آزاد، امیری و مولوی، ۱۳۹۰ و کاپلیدی، تونکر، هوپس و تورن‌بری (۲۰۰۳)، بود.

بنابر نتایج این پژوهش می‌توان گفت کیفیت دلبستگی به والدین و پایگاه اجتماعی-اقتصادی پیش‌بینی‌کننده رفتارهای خرابکارانه در دانش‌آموزان پسر دبیرستانی هستند. بنابراین، می‌توان استنباط کرد که تجارب دوران اولیه رشد نوزادان با چهره‌های دلبستگی، سبک دلبستگی و الگوهای رفتاری آنها را تحت تأثیر قرار داده است. لذا، از نقطه نظر کاربردی، ارائه خدمات مشاوره‌ای به دانش‌آموزان و به‌ویژه دانش‌آموزان ساکن خوابگاه کمیته امداد به‌منظور اصلاح تجربه‌های بین فردی آنها با والدین و عمدتاً مادر که به دلیل فقدان پدر، و اجبار به اشتغال خارج از خانه، انتقال عواطف گرم و صمیمی به آنها با مشکل مواجه است، و همچنین آموزش به والدین به‌منظور سازگاری بیشتر با فرزندان، نحوه برخورد با فرزندان در شرایط گوناگون و چگونگی برآورده ساختن نیازهای

وی پیشنهاد می‌شود. همچنین اقداماتی در جهت ارتقای سطح منزلت اجتماعی و اقتصادی خانواده‌های دانش‌آموزان امداد به دولتمردان و مشاوران توصیه می‌گردد. محدودیتی که در ساختار روش، از جمله منحصر شدن نمونه‌گیری به پسران و شهر جهرم و ابزار پژوهش وجود دارد تعمیم‌پذیری نتایج را منحصر به ساختار روش مورد استفاده می‌کند که پیشنهاد می‌شود در مطالعات بعدی به آن توجه شود.

تاریخ دریافت نسخه اولیه مقاله: ۱۳۹۴/۰۱/۱۰  
تاریخ دریافت نسخه نهایی مقاله: ۱۳۹۴/۰۶/۲۷  
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۰۹/۰۹



## منابع

- آزاد موسوی، میرمحمدباقر؛ جلالی، محمدرضا (۱۳۹۳). رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری، سبک‌های دلبستگی و جو خانوادگی دو نسل والدین و فرزندان. فصلنامه خانواده‌پژوهی. دانشگاه شهید بهشتی، ۱۰، ۳۷، ۹۷-۷۹.
- استکی آزاد، نسیم؛ امیری، شعله؛ مولوی، حسین (۱۳۹۰). مقایسه منزلت اجتماعی کودکان پسر مبتلا به اختلالات رفتار ایدائی و بهنجار در مقطع ابتدائی. فصلنامه پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی. ۱، ۱، ۱-۱۵.
- افشاریان، ندا (۱۳۹۳). ارتباط کیفیت دلبستگی با رفتارهای خرابکارانه بر مبنای نظریه بیگانگی روانی ملوین سیمن در دانش‌آموزان دبیرستانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی تربیتی، دانشگاه خوارزمی تهران.
- بشارت، محمدعلی (۱۳۸۴). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و هوش هیجانی. فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهرا (س). ۱، ۳، ۱۳۱-۱۴۲.
- پاکدامن، شهلا؛ سیدموسوی، پریسادات؛ قنبری، سعید؛ ملحی، الناز (۱۳۹۰). کیفیت دلبستگی به والدین و نشانه‌های درونی‌سازی شدن و برون‌سازی شده در نوجوانان: بررسی مقایسه‌ای نقش پدران و مادران. فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی، ۶، ۲۳، ۴۴-۲۱.
- پناغی، لیلا؛ پیروزی، دارا؛ ملکی، قیصر؛ شیرین بیان، مینو و باقری، فتنه (۱۳۹۱). رابطه سبک‌های دلبستگی و خشونت دیدگی در زنان. فصلنامه خانواده‌پژوهی دانشگاه شهید بهشتی، ۸، ۲۹، ۳۱-۱۹.
- پورافکاری، نصراله؛ حکیمی‌نیا، بهزاد؛ حیدری، آرش؛ فروتن‌کیا، شهرزاد (۱۳۹۱). تأثیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی بر اقتدارگرایی. فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، ۴۸، ۶۷-۸۴.
- حجازی، الهه؛ اژه‌ای، جواد و رنجبر، غفار (۱۳۹۲). پیش‌بینی ارتباط با مدرسه بر اساس دلبستگی به والدین و همسالان. فصلنامه خانواده‌پژوهی دانشگاه شهید بهشتی، ۹، ۳۳، ۹۷-۸۳.
- زینالی، علی (۱۳۹۲). تأثیر شیوه‌های تربیتی والدین بر نوع دلبستگی فرزندان. فصلنامه خانواده‌پژوهی دانشگاه شهید بهشتی، ۹، ۳۳، ۸۱-۶۳.

قنبری، سعید؛ خداپناهی، محمدکریم؛ مظاهری، محمدعلی و غلامعلی لواسانی، مسعود (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش والدین مبتنی بر نظریه دلبستگی بر افزایش کیفیت مراقبت مادران کودکان مضطرب پیش‌دبستانی. فصلنامه خانواده‌پژوهی دانشگاه شهید بهشتی، ۹، ۳۶، ۴۲۶-۴۰۷.

ممتاز، فریده (۱۳۸۱). انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.

میرفردی، اصغر؛ احمدی، سیروس؛ نیکخواه، زهرا (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به وندالیسم (خرابکاری) در بین دانش‌آموزان دبیرستانی شهر یاسوج. فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و سوم، شماره پیاپی (۴۷)، ۳، ۲۰۶-۱۸۵.

نبوی، سیدعبدالحسین؛ حسین‌زاده، علی‌حسین و حسینی، سیده‌هاجر (۱۳۸۷). بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی، احساس بی‌قدرتی و هویت قومی بر احساس امنیت اجتماعی، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، سال دهم، شماره ۲ (پیاپی ۳۹)، ۹-۳۶.

نیک اختر، علی (۱۳۷۸). بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر خرابکاری به‌عنوان نوعی رفتار بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های شیراز، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز.

Armsden GC., Greenberg MT. (1987). The inventory of parent and peer attachment; individual differences and their relationship to psychological well-being in adolescence. *J Youth Adolesc*, 16: 427-54.

Barnum, Chris. Richardson, Nick J. and Perfetti, Robert J. (2012). The Relationship Between Underage Alcohol Possession and Future Criminal Behavior: An Empirical Analysis Using Age-Period Cohort Characteristics Models. *SAGE Open*: 1-11.

Benjet. C., & Kazdin, A.E. (2003). Spanking children: The controversies. Findings, and new directions. *Clinical Psychology Review*, 23, 197-224.

Bruyn, E.H., Cillessen, A.H. & Wissink, I.B. (2010). Associations of peer acceptance and perceived popularity with bullying and victimization in early adolescence. *Journal of early adolescence*. 30(4), 543-566.

Capaldi, D.M., Conger, R.D., Hops, H., & Thornberry, T.P (2003). Introduction to special section on three-generation studies. *Journal of abnormal Child Psychology*, 31, 123-125.

Cummings, E.M., & Davies, P.T. (2002). Effects of marital conflict on children: Recent advances and emerging themes in process-oriented

- 
- research. *Journal of Child Psychology & Psychiatry & Allied Disciplines*, 43, 31-63.
- D'Arrisso, A. (2010). Academic achievement in first nations adolescents: The role of parental and peer attachment in promoting successful outcomes. Master's Thesis. McGill University.
- Fanti KA. (2005). The parent-adolescent relationship and college adjustment over the freshman year. MA. Dissertation. Georgia State University, *College of psychology*: 24-8.
- Fogel, A. (2010). *Infant development: A topical approach*. NY: Sloan Publishing. Harrison, L.J., & Ungerer, J.A. (2002). Maternal employment and infant-mother attachment security at 12 months postpartum. *Developmental Psychology*, 38(5), 758-773.
- Jacob Doll, Jonathan. Eslami, Zohreh and Walters, Lynne (2013). Understanding Why Students Drop Out of High School, According to Their Own Reports: Are They Pushed or Pulled, or Do They Fall Out? A Comparative Analysis of Seven Nationally Representative Studies. SAGE Open: 1-15.
- Kimberly, R., A. & Baker, A.T. (2008). Attachment Styles, alcohol, and childhood, experiences of abuse: an analysis of physical violence in dating couples. *Violence and Victims*, 23. 52-65.
- Loeber, Rolf. Burke, Jeffrey. & Pardini, Dustin A. (2009). Perspectives on oppositional defiant disorder, conduct disorder, and psychopathic features, *Journal of child psychology and psychiatry* 50: 1-2, 133-142.
- Madrigal, A.C. (2006). The direct and indirect effect of family environment and community violence exposure on lotion middle-school age youth's psychological distress and risk for gang affiliation. University of Nevada.
- MC Cortney, K. Philips, D. (2006). *Blackwell Handbook of Early Childhood Development*. Blackwell Publishing.
- Noftle, E.E., & Shaver, P.R. (2006). Attachment dimensions and the big five personality traits: Associations and comparative ability to predict relationship quality. *Journal of Research in Personality*, 40, 179-208.
-

- 
- Reid, J.B., Patterson, G.R., Snyder, J.J. (2002). *Antisocial behavior in children and adolescents: A developmental analysis and model for intervention*. Washington, DC: American Psychological Association.
- Rezaee, Saeedeh. Rao SP and Ezrin Arbi (2011). *Vandalism in Tehran, Iran Influence of some of the Urban Environmental Factors*. Department of Architecture Faculty of the Built Environment University of Malaya 50603 Kuala Lumpur, Malaysia: 1-8.
- Riley, P. (2011). *Attachment theory and the teacher-student relationship*. New York: Routledge publication.
- Steiger, R.S. (2008). *Parenting and attachment: an examination of mediation and moderation in the prediction of adolescent psychopathology*. Unpublished doctoral dissertation. Simon Fraser University.
- Tremblay Richard E. (2010). *Developmental origins of disruptive behavior problems: the 'original sin' hypothesis, epigenetics and their consequences for prevention*. *Journal of Child Psychology and Psychiatry* 51: 4, 341-367.